مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

ف. هیرمند ۲۰۲۵/۰۶/۰۳

تعلیق اصول مروج بین المللی وانزوای ملل متحد

در این چند ماه اخیر چنین حس می شود که ما دگر به پایان یک دوران "دوران سازمان ملل متحد یا دوران حضور و انفاذ اصول حقوق بشری" رسیده باشیم، زیرا وقایع و رویداد های متعدد ضد این دوران و اساسات آن از گذشته ای نه چندان دور به راه افتاده و اما اخیراً با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحدۀ امریکا، حذف هرچه صریحتر و عریانتر اصول دوران نامبرده سرعت بخشیده شده است. در این مقاله به صورت بسیار فشرده این وضعیت ازنظر خواهد گذشت

تغییرات تأریخی دوران ما خیلی شتابزده و سریع اند، این تغییرات هم در عرصۀ ماهوی و نیز در ساحات ساختاری و شکلی، در جریان افتاده اند. اینک نشانه های واضح تحولات در حوزۀ اصول و ضوابط بین المللی را به چشم سر تماشاگریم، منشور سازمان ملل متحد، که همه اعضای این سازمان آنرا امضاء و به رعایت آن خویش را متعهد ساخته اند، دگر پیش پاه زده شده و اهمیت خود را از دست داده باشد. دگر سازمان ملل متحد در ایفای نقش صلح گر و مصلح به کنار گذاشته شده خواهد بود. دگر اصل امنیت، حاکمیت و منافع ملی و داخلی کشور ها، رعایت سرحدات و تمامیت ارضی شان رنگ خواهد باخت. دگر پیمان های نظامی و اتحاد های سیاسی، به حرف خنده دار مبدل شده اند و جای شان را اتحاد ها و همگرایی های گذرا و مؤقتی خواهد گرفت. دگرحس مسئولیت در رعایت امنیت داخلی کشور ها، امنیت بین المللی و امتناع از روش ها و اقداماتی که منجر به اختلال صلح گردد، در گفتار و کردار قدرتمندان مشاهده نخواهد شد. حس مسئولیت در عدم تولید، ترویج، استعمال تسلیحاتی که ماهیت کشتار جمعی و گروهی دارند این ها همه معلق خواهند گردید، در نهایت دگر منافع آزمندانۀ دول نیرومند و زورگو است که اصل و قانون و قاعده وضع میکند و به تهدید و فشار مقاصدش را بدست می آورد

دگر ارزش های مندرج در میثاق ها نظیر حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، حمایت های بشردوستانه، رعایت حقوق بشر دربرنامه های ملی ، منطقوی و بین المللی جایگاهی نه خواهند داشت و... این نگرانی ها شک و تردید به وجود می آورد که آیا ما هنوز در دوران نظامند دارای اصول زندگی می کنیم و یا آن دوران دیگر به پایان رسیده خواهد بود،...؟ چه هر اصل و ضابطه ای که در طی این بیش از 80 سال (ختم جنگ جهانی دوم 1945) ویا حتی اصول کلاسیکی که عمر آن به دوره های خیلی دور سر می زند، هر روز و هر لحظه، با سماجت و پرروئی نادیده گرفته شده و از وجود و اعتبار آن انکار به عمل می آید و هر قدرت استعماری زمان به بهانه های مختلف، خود را معاف از رعایت آن میداند

حذف نقش سازمان ملل متحد از طریق قطع و یا محدود گردانی منابع تمویل مخارج آن ، حذف و نادیده گرفتن نقش سازمان های بین المللی مرتبط به ملل متحد در امور انسانی و حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، مانند کاهش تمویل مخارج مذکور از سوی امریکا، قطع ویا محدود کردن کمک به موسسۀ صحی جهان، سازمان غذایی جهان، مخالفت با شرکت و رعایت فعالیت های شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نادیده گرفتن و خصومت با محکمۀ جزایی بین المللی و... نیز مگر این قدرت های استعماری فعلی، شورای امنیت را مرجعه ای برای در امان نگهداری منافع و نیات سلطه جویانۀ شان مبدل که نه ساخته اند...؟

اعمال و رفتار های فرا اصولی و ضد اصولی بین المللی از جانب قدرتمندان صرف افادۀ نقض این اصول را ندارند، بلکه به یک معنای حذف تمام اصول و ضوابط اساسی بین المللی ناظر به حقوق و مصئونیت های وجودی و حقوقی دول را که در منشور ملل متحد ثبت است، خاطر نشان خواهد ساخت.

اصول نامبرده – علی الرغم تمام کهنگی و زبان بیروکراتیک آن – ارزش های مهم و اساسی سیاسی دول را در خود گنجانیده و به مثابۀ اصول بنیادی دولت های مشروع اخذ موقعیت نموده است و از نگاه ارزش های ملی و بین المللی به یک صورتی مشخصات اساسی دولت ها در آنها تعبیه گردیده است.

ارزش های مانند وجود، حفظ و مصئونیت تمامیت ارضی دولت ها که هر دولت کشوری، دارای تمامیت ارضی هست که از تعرض و تجاوز و غصب و تصرف و اشغال و عروج قدرت های خارجی مصئون شناخته شده است.

عدم مداخله در امور کشور ها نیز از ارزش های نخستین و بنیادی دولت کشور ها پذیرفته شده که در منشور ملل متحد با جدیت و صراحت احترام و رعایت آن درج و ثبت است. استقلال سیاسی که دولت ها در امور داخلی و خارجی شان(شامل روابط بین المللی، اتخاذ مواضع مستقلانه در تمام امور بین المللی و تعیین تکلیف امور خودی و ملی...) اصل روشن در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اسناد مزبور شناخته شده است. احترام به حاکمیت ملی دولت ها؛ این احترام و رعایت شامل قبول و پذیرش حق کامل حاکمیت دول بر ساحهٔ ارضی شان و اینکه دولت متحابه سلطهٔ مشروع بر سرزمین خود - شامل حق مواظبت و تنظیم زندگی شهروندان، تمامیت ارضی خود – قلمروهوایی، آبی، زیر زمینی و سطح زمین را بدون تردید دارا می باشد..
موارد فوق از عمده ترین و اساسی ترین ارزش های اند که در منشور ملل متحد و دگر اسناد اساسی بین المللی، رعایت و محترم شمردن آن از سوی تمام دول عضو سازمان ملل متحد تضمین گردیده است. و اگر گاهی این داشته های دول موردهجوم رفتار های غیر اصولی قرار بگیرد دولت ها به استناد همین اصول، در مراجع حقوقی و سیاسی بین المللی از حق و حقوق خود دفاع میکنند.
حتی همین اصول - فارغ از هر تمایل ایدیولوژیک - اعمال و افعال مجرمانه و جنایتکارانهٔ استعمارگران را مشخص و به تعریف می گیرد، هریک از ما ها اگر یک عمل یک سیاستمرد را در سطح ملی یک کشور ویا در سطح فراملی و بین المللی، جنایتکارانه میدانیم متکی به همین اصول می باشد، در نتیجه حفظ و معتبر شمردن این اصول در اوضاع کنونی خیلی حیاتی و مهم خواهد بود
درست است که بعضاً در گذشته ها تخطی های از این اصول و ضوابط صورت میگرفت ولی در کل سعی میگردید تا این اصول در اکثر موارد رعایت شود و حتی آن کشور های که از این اصول تخطی می نمودند تلاش شان بر آن می بود تا متکی و مستند به همین اصول، رفتار ها و اعمال شان را مؤجه قلمداد بدهند که این رؤش به نحوی به این اصول قوت انفاذ و اعتبار بیشتر می داد.
قابل یادآوری است که در گذشته ها تمایلاتی بوده اند که از مواضع ایدیولوژیک و سیاسی پیشگامان بین المللی شان و هم به صورت کورکورانه – بدون باور به منافع ملی کشور های خودی – به دفاع از "ترند" خویش با این اصول و حتی با سازمان های بین المللی مخالفت نموده و بر علیه آنها تبلیغ می نمودند، امروز که صدای زورگویان در صدر جهان قرار گرفته است، توجه به وجود و رعایت اصول نامبرده ، بالخصوص برای ممالک مستضعف، اهمیت حیاتی پیدا کرده است.
ولی اما اکنون این اصول با سماجت و لجاجت از جانب دول زورگو و قلدر نقض و حذف شده و بی اعتبار و منسوخ وانمود می شود، یعنی عملاً از وجود این اصول انکار به عمل می آید و یا این اصول را به باد استهزا میگیرند که انگار دگر بی معنی است...
ولی در نهایت حذف و زیر پاگردیدن این اصول و اثراتش به کشور های که آماج مستقیم این اصول شکنی اند، محدود نه خواهد گشت و نوبت کشور های غارت شده، که فقط استخوان های شان به جا مانده، هم خواهد رسید؛ اگر کشور های مستضعف با مسیر بی اعتبار سازی اصول مروج بین المللی همگام و همنوا شوند، این شیوه به نفع قدرت های زورگو و غارتگر اتمام خواهد یافت و کشور های ضعیف به صورت وخیمی بازنده خواهند بود
به این صورت بی اعتبار سازی تمام اصول و قواعد مهم بین المللی اثرات وخیمی بر ممالک، عقب نگه داشته شده خواهد داشت
تکلیف ممالک به اصطلاح امروزی مناطق مستضعف – که با فرو ریزی نظم ارزشی و اصولی معمول جهان، مصئونیت ارضی و مصئونیت سلطهٔ حاکمیت های شانرا ازدست خواهند داد چه خواهد شد، زیرا حوادث جاری نشان میدهد که داشته های مادی و معنوی این ممالک مثل گذشته مصئونیت کافی را حایز نه خواهد بود.
در طی چند سال پر حادثه و جنجالی اخیر، وقایعی در دنیای ما رخ داده اند که به صراحت و به وسعت گستردگی زیاد – نسبت به گذشته های دور و نزدیک – گویای آن است که تلاش ها و اعمالی توسط بعضی از دولت ها به عمل آمده است که مبین واضح بی اعتبار گردانی و تخریب و انهدام نظام اصولی بین المللی را حاکی است
حمله و اشغال ساحهٔ ارضی وسیع اوکراین توسط قوای اشغالگر روسیهٔ فدراتیف، اعمال مغرضانهٔ پوتین برای سلطه بر قسمتی از جمهوریت گرجستان، به دلیل همزبانی که با روسها دارد. اشغال، کشتار های دسته جمعی افراد ملکی و غیر نظامی غزه و کرانهٔ باختری اردن توسط دولت صهیونیست اسرائیل از نمون های بارز این وقایع اند.
سلطه جویی های ترکیهٔ اردگان در قلمرو های سوریه، نفوذ آرام و غیر قانونی روسها در برخی از مناطق افریقا، سلطه و خرید برخی بنادر مهم توسط چینی ها در سیرالانکا و افریقا و...
و حالا پلان وسیع آقای ترامپ در توسعهٔ اراضی، تصاحب مناطق جهت افزایش هر چه بیشتر منافع تجارتی اش و نیت ادغام برخی از مناطق دنیا زیرنام های تحقق امنیت ایالات متحده، جلو گیری از از نفوذ چین و کاهش مصارف گمرکی و غیره...
پروسهٔ صریح و آشکار درهمکوبی نظام اصول بین المللی کنونی، با حملهٔ نظامی پوتین (سال 2022 م) به جمهوری اوکراین صریحاً آغاز یافت این "عملیات خاص" به بهانهٔ جلو گیری از عضویت اوکراین به پیمان نظامی غربی"ناتو" آغاز یافته که با تصرف بیش از 20 فیصد تمامیت ارضی اوکراین توسط قوای نظامی روسی ، تا هنوز ادامه دارد. این عمل روسها هم نقض قرارداد سال 2015 بوده و هم نقض صریح اصول مندرج در منشور ملل متحد می باشد که نقض تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، و استقلال اوکرین را افاده میکند.
به دنبال آن به حملهٔ ناشیانه و غیر سنجیده شده - همانند یک عمل تروریستی - حماس بر خاک اسرائیل و سبب کشته شدن و گروگان گردیدن بیش از 1200 نفر از سوی حماس شد واین حمله مثا بیدار گردانیدن یک حیوان درنده وانسان خوار می ماند که سبب کشته شدن هزاران فلسطینی و تخریب کامل غزه و تصرف استعمارگرانهٔ آن از سوی اسرائیل صهیونیست گردید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

رشد ناسیونالیزم "بی وقت" نیز یکی از اسباب، کنار گذاشتن نقش سازمان ملل متحد در مسایل مختلف و متعدد بین المللی خواهد بود؛ دولت های مایل به تمایل ناسیونالیزم، اولاً بی میل اند از اینکه دگران برای شان راهگشاه باشد و سعی میکنند، حس بزرگ بینی خود را در حل مشکلات خودی، خود به عهده بگیرند و آن کشور های که از جهاتی راحت اند به فکر توسعهٔ ارضی و سلطه جویی افتاده اند.
در دو سه قضیهٔ مهم و دست اول جهانی (فاجعهٔ حذف حیاتی و فزیکی غزهٔ فلسطین و تجاوز روسیه به اوکراین) سازمان ملل متحد به صورت کامل در حالت خنثی و غیر فعال قرار داده شده است.
Amnesty international سازمان عفو بین الملل در اعلامیهٔ 24 اپریل 2025 متذکر گردید که :« دولت‌های قدرتمند، بشریت را به عصری عاری از حاکمیت موثر قانون بین‌المللی رهنمون ساخته‌اند که در آن غیرنظامیان در درگیری‌ها، بیشترین هزینه را می‌پردازند...
و... جهان در حال روبه‌رو شدن با پیامدهای وحشتناک ناشی از تشدید درگیری‌ها است و به فروپاشی حقوق بین‌الملل نزدیک شده است، . بسیاری از متحدان اسرائیل، همان معماران نظام قانونی و حقوقی پس از جنگ جهانی دوم بودند. در کنار تداوم تجاوز روسیه به اوکراین، شاهد افزایش شمار درگیری‌های مسلحانه و نقض گسترده حقوق بشر به عنوان مثال در سودان، اتیوپی و میانمار هستیم که هشدار می‌دهد نظم جهانی مبتنی بر قانون در خطر نابودی قرار دارد، و... در جهانی که به طور فزاینده‌ای ناپایدار است، گسترش و استقرار بی‌ضابطه‌ی فن‌آوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی مولد، تشخیص چهره و نرم‌افزارهای جاسوسی این قابلیت را دارند تا به دشمن خطرناک بدل شوند و تشدید نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشر را به سطحی استثنایی برسانند، و.....»
اینها همه نشانه های از به انزوا کشانی و شاید پایان دوران نقش ملل متحد که 80 سال عمر کرد را بازگونماید، همچنان نقض صریح و نادیده گیری عمدی اصول بین المللی از سوی قدرتمندان دنیا و نیز سرایت این بی قانونی در کشور های دیگر بالخصوص ممالک مستضعف، نوعی انارشی عمدی را در چهار گوشه و کنار دنیا تسری خواهد کرد و این روند نامطلوب ارزش، اعتبار و اهمیت اصول مروج بین المللی را هنوز هم تضعیف و ساحهٔ تطبیق و رعایت آنرا محدودتر و آسیب پذیرتر خواهد گردانید.
در حالیکه که همین دولت های عضو دایمی و دارای حق ویتو- که در دنیای معتقد به حق برابر ی کشور ها خود یک امتیاز غیر معمول می باشد – بانیان این اصول بوده اند و حالا خود همین دولت ها کمر نقض و زیر پا نمودن آنرا بسته اند.
ببینیم این ها در منشور ملل متحد چه ارزش های را درج کرده بودند، در مقدمهٔ منشور ملل متحد، جون 1945 که آغاز دوران ملل متحد و دوران حقوق بشر می تواند مسما شود چنین می خوانیم:
« به تساهل و همزیستی مسالمت آمیز و داشتن روحیهٔ حسن همجواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگه داری صلح وامنیت بین المللی و به قبول اصول وایجاد روشهای که عدم توسل به نیروی نظامی را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید وبه توسل به نهاد های بین المللی برای هموار کردن راه ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل اراده کردیم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نمائیم...»
و در فصل اول آن در مادهٔ اول، در پراگراف "1" آن چنین می خوانیم :« حفظ صلح وامنیت بین المللی و بدین منظور: به عمل آوردن اقدامات جمعی مؤثر برای جلو گیری و برطرف کردن تهدیدات برضد صلح و متوقف ساختن هر گونه عمل تجاوزکارانه با سایر کار های ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات حل و فصل اختلاف بین المللی با وضعیت های که ممکن است منجر به نقض صلح گردد، با وسایل مسالمت آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین المللی
2 – توسعهٔ روابط دوستانه در میان ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل، وانجام سایر اقدامات برای تحکیم صلح جهانی...»
اما در این اواخر ضابطه های مندرج این اسناد به شدت و وضاحت نقض و زیر پا شدند.
حال اگر به این باور باشیم که جهان " نظام فعلی" دگر به عقب گذاشته و روانهٔ یک دوران دگری از نظم اصولی جدیدی خواهد گشت و این دوران جدید و یا نظام جدید چه مقررات و ضوابط قانون گونه ای را حاوی خواهد بود چیزی زیادی نمی توان حدس زد، اصل تکامل و تغییر در تحولات اجتماعی انسان را نمی گذارد که بی اندیشد؛ نظام بعدی یا جدید از همان انواعی خواهد بود که ما از پیش آنها رااز سر گذشتانده ایم : آیا ضابطه های جوامع لیبرال و یا شاید قواعد نظام های توتالیتر یا تمامیت خواه در نظم جهانی بعدی محل نخست را خواهد داشت...؟ نمی توان پاسخی مطمئنی ارائه نمود.
گرچه امروزه تمایل بیشتری به رژیم های داخلی توتالیتر یا تمامیت خواه تمایل بیشتر نشان داده می شود، حتی بعضی از روشن اندیشان هم از خط تمایل توتالیتر حمایت می کنند، نشانه های آنرا در حمایت رژیم پوتینیزم روسی می توان دید...
این تمایل زمینهٔ انساخ و ابطال قوانین موجود بین المللی را به راحتی مساعد می سازد.
در نتیجه اختلال، تخریش و نادیده گرفتن اصول اساسی نظام جهانی، بی نظمی های مختلف در گوشه و کنار دنیا، توصل به اهداف و اغراض فرا اصولی و جابرانهٔ دول قدرتمند و زورگو، نیات توسعه طلبانه و اجرای این نیات توسط زورگویان دنیا، حال مطرح کردن مقاصد ارضی و سیاسی فرا اصولی بین المللی از سوی قدرتمندان جهان علایم زنده ای از فقدان باور به اصول نظم موجود جهانی فعلی می باشد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

برای متوسل شدن به حل معضلات بدون اهمیت دهی به اصول حاکم فعلی و سازمان ملل متحد، استفاده ا ز روش ها و راه حل های مغرضانهٔ به ظاهر خیلی عرفی، شخصی، سیاسی، معامله گرانه و عوامزده یا پوپولیستی خود بی باوری به نظم موجود جهانی را خاطر نشان می سازد.
وجود، حضور و اعتبار قوانین بین المللی – ولو در اصول - حالت منافع مادی و معنوی کشور ها را تعریف و مشخص می سازد، اگر نظام لرزان فعلی جهانی فرو بریزد، فقط قدرتمندان دنیا اند که در هر موضوع بین المللی "ضابطه های...!!" و ضع خواهند نمود که تأمین کننده و حافظ منافع آنان باشد مانند ؛ آنچه که پوتین از اوکراین و گرجستان می خواهد، آمریکا از پانامه، گرین لند، کانادا و غزهٔ شهید طمع دارد.
نتیجه این را نشان میدهد که جهان ما بدون شک در یک دوران انتقالی قرار دارد، سنتیز و یا بازده و پیامد این دوران انتقالی چگونه خواهد بود، نمی توان پاسخ مشخصی ارائه داد ولی دوران بعدی نه در قالب های پیش بینی شدهٔ نوعی که پشت سر گذاشته ایم قابل شناسایی خواهد بود...

پایان

آر شیف:مطالب نشر شدهٔ آقای ف، هیرمند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ